



سلام همناز جان

از بین مایه زودرقید! قبل از آنکه خاطرات بیشتری باهم بسازیم.

دوست دارم بر خاطره ای که از شاد ذهن من نقش بسته است مروری داشته باشم.

از همان ابتدای ترم دغدغه تربیتی خوددباره دانش آموزان روستایی با طرح موضوع "کنترل هیجان و بالابردن سه صدر در ارتباطات بین فردی" شروع کردید. توانستید بخشی از مسائل محیط کاری خود را که متعارض های ارزشی و رفتاری بین دانش آموزان ایرانی و خانواده آنها در مواجهه با کودکان از کشور افغانستان شده بود، شناسایی کنید و به عنوان یک لکچر دانا در مقام مدیر یک مدرسه روستایی به حل آن همت گارید. با ظرافت، دقت و همه جانبه نگری فرایند نیازسنجی را طراحی، اجرا و تحلیل کردید که نشان از حس مسئولیت پذیری و نظم کاری شادداشت. با مساله یابی و واقع نگری برخاسته از داده های نیازسنجی به طراحی برنامه درسی مدرسه محور با هدف توسعه مهارت های سازگاری و جامعه پذیری متناسب با واقعیت های موجود در بافت و زمینه ای که دانش آموزان روستایی در آن زیست می کنند، پرداختید.

زمانی که نتایج مطالعات خود طراحی مقدماتی برنامه درسی بابا به اشتراک گذاشتید، با دقت به بیانات و نکات مورد تاکیدتان گوش می‌دادم و در ذهن خود این معنار را مرور می‌کردم که چه کنشگر فہیم و مسئولیت پذیر و نکته سنجی! ذهن من بر ظرفیت ابعاد وجودی تان نه صرفاً به عنوان دانشجو بلکه به عنوان کنشگر فہیم و دلسوز در حوزه آموزش و پرورش دختران و پسران روستایی کشورمان متمرکز شده بود. از بودن، همراه شدن، و گفت و گو کردن با شما لذت بردم.

در زمانه ای که اکثریت دیواری بلند به دور خود کشیده ایم و در دایره خود محوری و تعارض غرق شده ایم، ما را به سمت با هم بودن، همدگر را پذیرفتن، هم افق دیدن، همدلی و همداری تشویق کردید. برنامه درسی خود را بر اساس این ایده بزرگ طراحی کردید تا دانش آموزان با بهره گیری از آن برای حل تعارض های خود استفاده نمایند.

حیف که از بودن با شما خیلی زود و غافل گیرانه محروم شدیم. ما را به نگه‌مان تنها گذاشتید و به ابدیت هجرت کردید. روح تان شاد
هجرت خانم منازرجی دانشجوی رشته برنامه ریزی درسی- کارشناسی ارشد پردیس نسیم تهران به جامعه تعلیم و تربیت تسلیت عرض می‌کنم.

عیالاف